

بسمه تعالی

فرهنگ تعلیم و تربیت در سیره امام سجاد علیه السلام با محوریت رساله حقوق

مریم بدر جمال^۱

چکیده

موضوع تعلیم و تربیت در همه اعصار و جوامع بشری همواره مورد توجه بوده است و غفلت از آن باعث صدمات جدی در سطح کلان جامعه می شود. از این رو انبیا، و ائمه معصومین همواره به تعلیم و تربیت اهمیت ویژه ای می دادند و با شیوه ها و روش های مختلف و متناسب با عصر خویش به تعلیم و تربیت افراد جامعه می پرداختند.

در این میان سید الساجدین حضرت امام سجاد علیه السلام نیز با توجه به دوران پر اختناق خود که نمی توانستند آشکارا و صریح مفاهیم مورد نظرشان را بیان کنند با روش ها و شیوه های متناسب با عصر خویش سعی در تعلیم و تربیت افراد جامعه و عمیق تر از آن سعی در آموختن شیوه های تربیتی صحیح به افراد جامعه می نماید که در مقاله پیش رو ابتدا روش هایی که امام سجاد علیه السلام از آن ها برای ترویج فرهنگ تعلیم و تربیت بهره جسته اند مورد بررسی قرار گرفته و سپس شیوه های تربیتی آن حضرت در رساله حقوق که شامل پنجاه حق می باشد مورد بررسی قرار گرفته است که در صورت بهره مندی از شیوه های تربیتی یاد شده در رساله حقوق جهت تعلیم و تربیت شاهد یک جامعه غنی از فرهنگ اسلامی خواهیم بود. روش تحقیق توصیفی بوده است و گردآوری داده ها با استفاده از اسناد نوشتاری، کتابخانه ای و نرم افزار علمی انجام گرفته است.

کلید واژه ها: فرهنگ، تعلیم، تربیت، سیره، رساله حقوق

^۱. طلبه سطح ۲ حوزه صادقیه تبریز

مقدمه

تعلیم خلق و خوی شایسته که موجبات سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها را فراهم می‌سازد یکی از آموزه‌های اساسی ادیان الهی است. سیره امام سجاد علیه السلام از جمله صحیفه سجادیه و رساله حقوق مجموعه‌ای ارزشمند، گنجینه‌ای ناب و پرمحتوا است که در آن‌ها مسائل عقیدتی، اخلاقی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی و... مطرح شده است.

امام سجاد علیه السلام ضمن راز و نیاز با خدای متعال، به طور غیر مستقیم از فضایل اخلاقی و رذایل اخلاقی و وظایف انسان سخن می‌گوید و در واقع شیوه درست زندگی کردن را به جهانیان تعلیم می‌دهد تا با استفاده از این تعالیم نسل بشریت در راستای اهداف الهی و تربیت صحیح انسان گام بردارد. در جهان امروزی که با انواع روش‌های تعلیم و تربیتی روبرو هستیم و از طرفی هم سرعت انتشار فرهنگ‌های مختلف با توجه به گسترش انواع رسانه (تلویزیون، ماهواره، اینترنت، فضای مجازی و...) به شدت افزایش پیدا کرده است.

لازم است که با تغییر نگرش نسبت به گنجینه‌های ناب و پر محتوای اسلامی فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی را در جامعه خود گسترش داد و مانع ورود فرهنگ‌های مغایر با عقاید خود به فرهنگ تربیتی جامعه شده و از این گذر گامی به سوی تحقق تمدن اسلامی برداشت.

هدف اصلی پژوهش پیش رو آشنایی با معارف عمیق سیره امام سجاد علیه السلام با تاکید بر رساله حقوق و الگوگیری از آن برای ارائه شیوه‌های تربیتی و مقابله با فرهنگ‌های مغایر با ارزش‌های اسلامی است.

با توجه به اهمیت این موضوع تحقیقات متعددی در این زمینه انجام گرفته است که از آن جمله می‌توان به سیره تربیتی امام سجاد علیه السلام، کمال دهقانی، محمد رامشک و سیره تربیتی امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق، نویسنده سید رضا هاشمی شاه قبادی و... اشاره کرد. تفاوت مقاله حاضر با دیگر مقاله‌ها بررسی شیوه‌های به کار رفته در سیره امام سجاد علیه السلام و سپس به صورت خاص بررسی راهکاری مورد استفاده در رساله حقوق است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. فرهنگ

معنای لغوی فرهنگ: فرهنگ فارسی معین واژه «فرهنگ» را مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف کرده است.^۱

لغتنامه دهخدا «هنگ» را از ریشه «تنگ» اوستایی به معنی کشیدن و فرهختن و فرهنگ ذکر می‌کند.^۲

معنای اصطلاحی فرهنگ: فرهنگ مجموعه سیال از عناصری است که ذاتی یک جامعه و بومی ملت آن به شمار می‌آید و بخشی از آن جوشش از نسل گذشته به نسل حاضر و بخشی دیگر کوشش و ثمره تلاش نسل حاضر است و شامل خاطرات ذهنیات اندیشه‌ها ایمان‌ها باورها سنت‌ها آرمان‌ها علم زبان دین آداب معاشرت و زندگی ذخیره‌های فکری و ذهنی یک ملت بوده و نیز چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آنها روبرو است.^۳

۱-۲. تعلیم

معنای لغوی تعلیم: تعلیم به معنای آموختن و آموزش دادن از تعلیم برگرفته از واژه علم و از مشتقات آن است که در باب تفعیل به کار رفته است تا معنای آموزش دادن را بیان دارد.^۴

معنای اصطلاحی تعلیم: حقیقت تعلیم ژرف‌تر از معانی لغوی آن است. اگر دقت کنیم در می‌یابیم که تعلیم، ایجاد دگرگونی در متعلم و متحول ساختن او از حالت جهل است به حالتی که موجب رشد عقلی و استقلال فکری شود انسانی را در نظر بگیرید که نسبت به مسائل توحید بیگانه و جاهل است؛ وقتی مسائل توحید را به او بیاموزید و توحید برایش ثابت شود، او از حالت جهل به حالت علم منتقل می‌شود. دیگر چنین نیست که آنچه آموخته صرفاً تقلید و تکرار نماید. بلکه با شناخت توحید از طریق

^۱. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۱۷۶

^۲. لغت‌نامه دهخدا، ج ۸ ص ۱۰۵۷

^۳. خسروپناه، منظومه فکری رهبری، ص ۵۳۰

^۴. لغت‌نامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۹۷۱-فرهنگ فارسیمعین، ج ۱، ص ۴۶۵-۴۶۶

تعلیم، رشدی عقلانی در او به وجود می‌آید. متعلم زمانی که از حالت جهل بیرون می‌آید آثار ناشی از جهل نیز در او از بین می‌رود.^۱

1-3. تربیت

معنای لغوی تربیت: تربیت به معنای «پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن» و نیز به معنای «پرورش بدن به وسیله انواع ورزش».^۲

تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما»؛ افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است.^۳ در لسان العرب، می‌نویسد: «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو رَبْوًا وَرَبَاءً: زاد ونما».^۴

همچنین تربیت از کلمه رب به معنی مالک سید و مربی اشتقاق می‌یابد و این گونه می‌شود انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده «رَبَّ وَلَدَهُ وَ الصَّبِيَّ يَرْبُهُ رَبًّا» یعنی کودک خود را نیکو تربیت کرد و برای او به نحو شایسته انجام وظیفه نمود».^۵

معنای اصطلاحی تربیت: دیدگاه‌های متعدد و متفاوتی راجع به معنای اصطلاحی تربیت از سوی اندیشمندان علوم تربیتی، وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

از منظر شهید مطهری تربیت عبارت است از «پرورش دادن»، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. بنابراین با صنعت «ساختن» به معنی اینکه شیء یا اشیایی را تحت یک نوع پیراستن‌ها و آراستن‌ها قرار می‌دهند و یا اجزا و اشیایی را با هم ترکیب می‌کنند و نظم می‌یابند برقرار می‌سازند متفاوت است.^۶

۱. هیئت تحریریه موسسه در راه حق، مفهوم تعلیم و تربیت، ص ۵-۶

۲. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۴۴۳

۳. طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۳۹-۱۳۸، فیومی، مصباح المنیر، ص ۲۱۷

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۰۵

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۹۹

۶. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ج ۱، ص ۷۶-۵۶

تربیت عبارت است از برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمامی استعدادها توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان به منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب.^۱

4-1. سیره

معنای لغوی سیره: کلمه «سیره» اسم مصدر از ماده «سیر» و بر وزن «فعله» است، که در زبان عربی ر نوع دلالت می‌کند؛ برای مثال «جلسه» به معنای نشستن ولی «جلسه» به معنای سبک و نوع نشی می‌باشد؛ بنابراین «سیر» یعنی رفتار، ولی «سیره» یعنی نوع و سبک رفتار.^۲

معنای اصطلاحی سیره: سیره در اصطلاح، یعنی استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری و یا ترک عملی و اگر مراد از مردم (خاص) همه عقلا باشد، این سیره را سیره عقلا و اگر همه مسلمین یا پیروان مذهب و یا گروهی خاص از مسلمانان باشد آن را سیره متشرعی می‌نامند.^۳

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام یکی از راه‌های دریافت معارف اسلامی است. نقل سیره تاثیر زیادی بر رفتار انسان‌ها می‌گذارد. مطالعه سیره و تاریخ معصومات جاذبه ویژه‌ای دارد؛ برای همه قابل فهم است و پیام آن در اذهان ماندگارتر است. سیره معصومان راه زندگی، راه سازندگی، راه تلاش، راه تعامل اجتماعی، راه برخورد سیاسی، راه مبارزه و جهاد و راه خلق و خوی پسندیده را نشان می‌دهد. سیره، روش و الگویی است برای شکیبایی در برابر ناگواری‌ها، سختی‌ها، بی‌مهری‌های یاران، تهمت‌ها و افتراها، مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها و گاهی تحقیرها و پرسش‌های نابجا و ناروا. سیره، شیوه مبارزه با کافران، منافقان، قدرت‌های استبدادی، حاکمان ستمگر و گروه‌های فاسد و جنایتکاران جسور را به انسان می‌آموزد.

منابع مهم سیره را عموماً کتاب‌های تاریخی می‌دانند و در این زمینه کمتر به منابع روایی توجه می‌شود و نسبت به کتاب‌های تاریخی در درستی مطالب آنها دقت و توجه کامل نمی‌شود؛ در نتیجه گاه اندیشه‌های ناروا و نادرستی از طریق نقل آنها به جامعه راه یابد که گاه با قرآن و مسائل بدیهی و مسلم

^۱. بهشتی، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، ص 35

^۲. قلی زاده، واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه، ص ۵۶

^۳. سید محمدتقی الحکیم، اصول العامه للفقّه المقارن، ص ۱۹۹

باطن بخواهد که دیگران به خیر برسند و از بدی در امان باشند و هم آنها را به خیر و خوبی برساند، زیر آنها را مانند خود می‌داند که به خدای مهربان کریمی که خزینه غیبت او تمام شدنی نیست ایمان دارند. داشتن این حالت نسبت به تمام مومنان در هر زمان و مکانی مطلوب است. امام علی علیه السلام به محمد بن حنیفه سفارش می‌فرماید: «خودت را ملازم محبت گردان... و برای عموم مردم روی باز و محبت را بذل کن».^۱

4-9. مدارا کردن

از آنجا که انسان مومن نسبت به مومنان دیگر سینه باز داشته و می‌خواهد همه آنها در مسیر خیر و سعادت حقیقی قرار گیرند، در نتیجه اگر با افراد ضعیف الایمان یا گناهکار و بدکردار هم برخورد کند، با نگاه لطف به آنها می‌نگرد؛ زیرا می‌داند ممکن است خودش هم این گونه باشد؛ چنانکه امام صادق علیه السلام به کسی که عرض کرد: «نزد ما کسانی هستند که به (امامت) امیرالمومنین علیه السلام معتقدند و ایشان را بر همه مردم برتری می‌دهند، لکن فضایل شما را آنگونه که ما توصیف می‌کنیم توصیف نمی‌کنند، آیا ایشان را دوست داشته باشیم؟ فرمود: «بله، فی الجمله، ... آیا آنچه نزد شما نیست، نزد ما هم نیست؟ و آیا آنچه نزد دیگران نیست، نزد شما هست؟».^۲

از این جهت انسان مومن نه تنها ارتباطش را با ایشان قطع نمی‌کند، بلکه به فرموده امام سجاد علیه السلام با او الفت گرفته تا از این طریق بتواند او را اصلاح نماید و در او تاثیر مثبت بگذارد. خداوند خطاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به مومنان می‌فرماید: «...فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ... پس از ایشان در گذر و برای آنها طلب مغفرت کن».^۳

این رابطه مهربانی و دلسوزی به تدریج تاثیر خودش را در کسانی که قابلیت تاثیرپذیری دارند، می‌گذارد و نباید از آن غافل شد.^۴

4-10. برخورد مناسب

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، روایت ۶، ص ۳۹۱

۲. بحارالانوار، ج ۶۹، روایت ۱۱، ص ۱۶۹

۳. آل عمران: ۱۵۹

۴. تحریری، منشور بندگی، ص ۴۰۹-۴۱۰

برای حفظ جایگاه مومنان در جامعه ایمانی، امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: مومنانی را که از نظرش بزرگ هستند باید مانند پدر دانست و احکام و وظایف اخلاقی را که نسبت به پدر دستور داده‌اند، در رابطه با آنها مراعات کرد و با کوچکترها نیز باید با نگاه فرزند خود نگریست، از نصیحت و خیرخواهی و دستگیری دریغ نورزید و با میانسالان به حکم برادر برخورد کرد. هرچند با هر یک از این گروه‌ها از این جهت که انسان ممکن است از نزدیک با آنها برخورد نداشته باشد یک رابطه عمومی وجود دارد و این هم امری طبیعی است ولی اگر با عده‌ای از این گروه‌ها از نزدیک ارتباط داشت- به ویژه با همسالان که به حکم برادرند و انسان با ایشان نیازهایش را برآورده می‌کند- باید به حکم برادری و دوستی آشنا شود و به آنها عمل نماید.^۱

^۱. همان، ص ۴۱۱

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته در پژوهش حاضر باید گفت امام سجاد علیه السلام با هوشمندی و ظرافت خاص در خطبه‌ها، سخنرانی‌ها، دعاها و مناجات خویش به نکات بسیار مهمی در حیطه تربیت اشاره کرده و افراد را به سوی شناخت هرچه بیشتر و رعایت آنها فراخوانده است. ایشان در سیره عملی، دعاها و مناجات خود ویژگی‌های خاصی برای انسان برشمرده‌اند که تأمل در هر یک از آن برای رسیدن به کمال و سعادت و داشتن یک زندگی مطلوب لازم و ضروری است که در صورت توجه به آنها، افق‌های بسیار بلندی در مقابل انسان گشوده می‌شود و با به کار بستن این آموزه‌ها انسان، خویشتن را آینه تمام نمای خالق در میان خلوق قرار می‌دهد.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

الف) کتب فارسی

1. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دارصادر، 2010م
2. آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم**، قم: موسسه فرهنگی دارالحديث، 1395ش
3. بهشتی، محمد، **مبانی تربیت از دیدگاه قرآن**، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، چاپ اول، 1387ش
4. تحریری، محمدباقر، **منشور بندگی**، قم: واژه پرداز اندیشه، 1398ش
5. حیدری نراقی، علی محمد، **شرح نراقی**، قم: انتشارات مهدی نراقی، 1386ش
6. خسرو، پناه و جمعی از پژوهشگران، **عبدالحسین، منظومه فکری آیت الله خامنه ای**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1396ش
7. خامنه ای، سید علی، **حماسه امام سجاد علیه السلام**، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، 1399ش
8. خسرو پناه و جمعی از پژوهشگران، **منظومه فکری رهبری، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی**، 1396ش
9. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1380ش
10. ذاکری، علی اکبر، **درآمدی بر سیره معصومان و کتاب های چهارگانه شیعه**، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1398ش
11. رومی برندق، کاووس، **رساله حقوق امام سجاد علیه السلام**، تهران: چاپ و نشر بین الملل، 1400ش
12. زمانی، احمد، **رساله حقوق امام زین العابدین: نشر مرتضوی**، 1362ش

13. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: طلیعه نور، 1396ش

14. قلی زاده، احمد، واژه شناسی اصطلاحات اصول فقه، تهران: بنیاد پژوهش‌های علمی-فرهنگی نورالاصفیاء، 1379ش

15. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، قم: انتشارات اسوه، 1375ش

16. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات زرین، 1386ش

17. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392ش

18. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، 1367ش

19. مظلومی، رجب علی، کلیدهای تربیتی و تعلیمی برای اولیای تربیتی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1364ش

20. هیأت تحریریه موسسه در راه حق، مفهوم تعلیم و تربیت، قم: موسسه در راه حق، 1377ش

ب) کتب عربی

21. الحکیم، سید محمد تقی، اصول العامه للفقہ المقارن، بیروت: موسسه آل البيت علیهم السلام للعباعه و النشر، 1145ق

ج) مقاله

22. دهقانی، رامشک؛ کمال، محمد، "سیره تربیت امام سجاد علیه السلام"، نشریه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره 57، 1402ش